

زن در اسلام

حقوق و تکالیف

جلد دوم



فریبا عباسوند

دفتر مطالعات و تحقیقات زنان

پاییز ۱۳۹۰

علاسونده، فرييا، ۱۳۴۶ -

زن در اسلام/ نویسنده فرييا علاسونده؛ [برای] دفتر مطالعات و تحقيقات زنان.

قم: حوزه علميه قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۰ - ج.

شابک دوره: ۹۷۸۶۰۰۵۵۸۲۰۷۳۰۴

۹۷۸۶۰۰۵۵۸۲۰۶۵۰۹: ۱. ریال: ج. ۳۲۰۰۰

۹۷۸۶۰۰۵۵۸۲۰۷۲۰۷: ۲. ریال: ج. ۴۸۰۰۰

ج. ۲. چاپ اول: (۱۳۹۰) (فيا)

کتابنامه.

نمايه. مندرجات: ج. ۱. کلیات و مبانی. - ج. ۲. حقوق و تکالیف

زنان در اسلام

زنان -- وضع حقوقی و قوانین (فقه)

حوزه علميه قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران. دفتر مطالعات و تحقيقات زنان

حوزه علميه قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران. مرکز نشر هاجر

۱۳۹۰ ۹/۷۵ ۱۳۰/۱۷۲ P

۳۹۷/۴۸

۳۲۶۱۸

زن در اسلام (جلد دوم)

د نق و تکالیف



مرکز نشر هاجر
انواع چاپ و تکثیر



دفتر مطالعات و تحقيقات زنان

ناشر: مرکز نشر هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران)

نویسنده: فرييا علاسونده

صفحه‌آرا: حسين مظفری

طراح جلد: داوود پیروزی

نوبت چاپ: اول پاییز ۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قطع و تعداد صفحه: رقعی ۳۰۴

چاپخانه: نبوا

قیمت: ۴۸/۰۰۰ ریال

شابک: ۷-۷۲-۵۵۸۲-۶۰۰-۹۷۸

مرکز بخش: قم: بلوار جمهوری اسلامی، میدان سپاه، خیابان مالک اشتر، شماره ۵۰

تلفن: ۲۹۰۷۶۱۰-۱۳ (۰۲۵۱) دورنگار: ۲۹۱۷۵۷۷ (۰۲۵۱)

پایگاه اینترنتی: www.womenrc.ir؛ نشانی الکترونیکی: info@womenrc.ir

آدرس ناشر: قم - انتهای بلوار امین - میدان ارتش تلفن: ۲۵۱-۲۱۴۴۴۰۰

پایگاه اینترنتی: www.Hajar.whc.ir؛ نشانی الکترونیکی: Hajar@whc.ir

فهرست مطالب

۱۱.....	مقدمه
۱۳.....	پیشگفتار

بخش نخست: زن و تکالیف فردی

۲۳.....	گفتار نخست: بارع
۲۵.....	سن بلوغ دختران در رویداد فقهی
۳۵.....	گفتار دوم: عبادت

بخش دوم: زن و خانواده

۴۳.....	گفتار نخست: خانواده در اسلام
۴۳.....	۱. تعریف و اهمیت
۴۵.....	۲. طبیعی یا تاریخی بودن خانواده
۵۰.....	۳. ساختار خانواده
۵۰.....	۳-۱. نظام ریاستی بر مبنای قانون الهی
۵۰.....	۳-۱-۱. قیمومت
۵۱.....	۳-۱-۲. ولایت
۵۲.....	۳-۲. دموکراسی در خانواده
۵۳.....	۳-۳. نظام ریاستی بر مبنای قرارداد
۵۴.....	۴. کارکردهای خانواده
۵۴.....	۴-۱. کارکردهای جسمی و روانی
۵۵.....	۴-۲. کارکردهای جنسی
۵۷.....	۴-۳. کارکردهای اقتصادی

۵۷	۴-۴. کارکردهای تربیتی و جامعه‌پذیری
۵۸	۵. عوامل استحکام خانواده
۶۳	گفتار دوم: ازدواج
۶۴	۱. سن ازدواج
۶۸	۲. شیوه‌های همسرگزینی
۷۰	۳. خواستگاری
۷۲	۴. مزدی و عقد
۷۴	۵. نیت بر ازدواج
۷۶	عمر مریه
۷۷	۱-۶. ماهیت مهریه
۷۸	۲-۶. اقسام مهریه
۸۱	گفتار سوم: همسری
۸۲	۱. نگرش‌ها
۸۲	۱-۱. نگرش‌های روان‌شناختی
۸۳	۱-۲. نگرش جامعه‌شناختی
۸۴	۱-۳. نگرش فمینیستی
۸۵	۱-۴. جایگاه همسری در فرهنگ اسلام
۸۷	۱-۵. اسلام و تفکیک نقش‌ها در زندگی خانوادگی
۸۷	۲. شاخص‌های مثبت همسری در متون دینی
۹۳	۳. الگوی دینی همسری
۹۷	گفتار چهارم: مادری
۹۸	۱. جایگاه مادری در قرآن و روایات
۱۰۱	۲. مادری طبیعی یا اجتماعی؟
۱۰۳	۳. ویژگی‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی مادر
۱۰۵	۴. آثار مادری بر زنان
۱۰۷	۵. توصیه‌ها و راهکارهای دینی برای تقویت مادری زنان
۱۰۹	۶. مادری و دیگر نقش‌های زنان

۱۱۳	۷. مادری در متون فمینیستی
۱۱۹	گفتار پنجم: قوامیت
۱۱۹	۱. مفهوم قوامیت
۱۲۲	۲. ادله قوامیت
۱۲۴	۳. ملاک قوامیت
۱۲۸	۴. دامنه قوامیت
۱۳۳	گفتار ششم: تمکین و نشوز
۱۳۳	۱. مفهوم و مصادیق تمکین و نشوز
۱۳۳	۱-۱. تمکین
۱۳۵	۱-۲. احکام تحکین
۱۳۷	۱-۳. نشوز
۱۳۹	۱-۴. احکام نشوز
۱۴۵	گفتار هفتم: نفقه
۱۴۶	۱. ادله نفقه
۱۴۷	۲. شرایط وجوب نفقه و سقوط آن
۱۴۸	۳. مقدار و مصادیق نفقه
۱۴۹	۴. ملاک نفقه
۱۵۰	۵. نفقه در حال عقد (پیش از عروسی)
۱۵۱	۶. امتیازهای نفقه زوجه
۱۵۲	۷. فلسفه نفقه
۱۵۷	گفتار هشتم: خشونت
۱۵۸	۱. تعریف خشونت
۱۶۱	۲. خشونت خانوادگی
۱۶۳	۳. عوامل خشونت خانوادگی (نظریه‌ها)
۱۶۴	۳-۱. نظریه‌های خرد درباره پدیده خشونت‌گری انسان
۱۶۴	۳-۲. نظریه‌های کلان درباره پدیده خشونت‌گری انسان

۴. دیدگاه اسلامی دربارهٔ خشونت ۱۶۵
۵. خشونت و ارزش‌های دینی ۱۷۲
- گفتار نهم: طلاق** ۱۷۵
۱. طلاق ۱۷۸
۲. فرهنگ قرآنی درباره حق طلاق ۱۷۹
۳. زنان و حق طلاق ۱۸۲
۴. اسام طلاق ۱۸۲
۵. احام طلاق و سهم آنها در کاهش آمار طلاق ۱۸۴
۶. عوامل رایج تر طلاق ۱۸۶
- ۶-۱. تغییرات نگرشی ۱۸۷
- ۶-۲. تغییرات ساختاری ۱۸۸
- ۶-۳. تغییر مؤلفان زنان ۱۸۸
- ۶-۴. مشکلات اقتصادی ۱۸۹
- ۶-۵. تهی شدن روابط اساسی از منویت ۱۹۰
- ۶-۶. تحرک اجتماعی و اختلال اخلاقی و طبقه‌ای ۱۹۰
- ۶-۷. فقدان آگاهی و ضعف مهارتی ۱۹۱
۷. پیامدهای طلاق ۱۹۲
- ۷-۱. پیامدهای طلاق برای زوجین ۱۹۲
- ۷-۲. پیامدهای طلاق برای کودکان ۱۹۳
- ۷-۳. پیامدهای کلان بر جامعه ۱۹۴
۸. راهکارهای کاهش طلاق ۱۹۵
- گفتار دهم: تعدد زوجات** ۱۹۷
۱. تعدد زوجات در قرآن ۲۰۰
۲. تعدد زوجات در سخنان فقها ۲۰۴
۳. فلسفه تعدد زوجات ۲۰۶
- ۳-۱. فزونی دختران و زنان آماده ازدواج ۲۰۷
- ۳-۲. فرزندخواهی ۲۰۹

۲۱۰	۳-۳. نیاز طبیعی به بیش از یک همسر
۲۱۱	۴. شبهات
۲۱۲	۵. آداب اخلاقی در تعدد زوجات
۲۱۵	۶. تعدد زوجات پیامبر ﷺ
۲۱۹	گفتار یازدهم: ارث
۲۲۴	ارث زن از دارایی‌های غیرمنقول (زمین) شوهر
	بخش سوم: زن و اجتماع
۲۲۹	گفتار نخست: نقش زنان در تحولات اجتماعی
۲۳۳	گفتار دهم: مشارکت سیاسی
۲۳۵	۱. مشارکت سیاسی زنان
۲۳۶	۲. مشارکت سیاسی زنان و دیدگاه اسلامی
۲۳۶	۲-۱. فرهنگ سیاسی
۲۳۷	۲-۲. عمل سیاسی
۲۴۱	۳. انتخاب حاکمان سیاسی، قاضی‌گزاران و
۲۴۲	۴. مناصب سیاسی
۲۴۲	۴-۱. حکومت و ولایت
۲۴۳	۴-۱-۱. دلایل قرآنی
۲۴۵	۴-۱-۲. دلایل روایی
۲۴۶	۴-۱-۳. دیگر دلایل
۲۴۸	۴-۲. قضاوت
۲۴۹	۴-۲-۱. اقوال
۲۵۰	۴-۲-۲. دلایل
۲۵۵	گفتار سوم: مشارکت اجتماعی زنان
۲۵۹	۱. آسیب‌شناسی مشارکت اجتماعی زنان
۲۵۹	۱-۱. الگوی توسعه‌گرا
۲۶۰	۱-۲. الگوی دینی بر مبنای اولویت در نقش‌ها
۲۶۰	۲. ضوابط حضور زن در فعالیت‌های اجتماعی

۲۶۱	۲-۱. موارد اختصاصی
۲۶۲	۲-۲. احکام مشترک
۲۶۵	گفتار چهارم: اشتغال زنان
۲۶۶	۱. تاریخچه اشتغال زنان
۲۶۸	۲. عوامل گرایش زنان به اشتغال
۲۶۸	۲-۱. عوامل عمومی
۲۶۸	۲-۱. عامل صنفی زنانه
۲۷۰	۳. اثاث و پیامدهای اشتغال زنان
۲۷۱	۳-۱. پیامدهای اشتغال بر زنان
۲۷۳	۳-۲. پیامدهای اشتغال بر خانواده
۲۷۷	۳-۳. پیامدهای اشتغال زنان بر اجتماع
۲۷۹	۴. اشتغال زنان در دیدگاه دینی
۲۸۳	کتابنامه

مقدمه

در سالیان اخیر پژوهش‌های ارزشمندی به منظور بازخوانی متون اسلامی در مباحث مربوط به زنان انجام شده و آثار ارزشمندی به مشتاقان ارائه شده است و برخی نیز در نوبت انتشار قرار داده‌اند. در میان این متون می‌توان آثاری در تبیین دیدگاه دینی و آثاری انتقادی، البته با رویکرد دینی را مشاهده کرد که ادبیات مباحث زنان را چند گام به پیش برده‌اند. در عین حال می‌توان انتقاد را در مورد بسیاری از نویسندگان مقالات و کتب وارد داشت که حوزه مطالعات جنسیتی را به مثابه یک حوزه تخصصی جدی نگرفتند و بدون برخورداری از تخصص در این حوزه، صرفاً با تکیه بر مطالعات عمومی یا تخصص غیرجنسیتی در این باره قلم زده‌اند و به همین دلیل نتوانسته‌اند به‌طور شایسته موضوعات را تبیین، پرسش‌ها را تشریح و پاسخ‌ها را سامان‌مند و عالمانه ارائه نمایند.

با وجود انتشار آثار پژوهشی متعدد، در تدوین متون آموزشی اقدام اساسی و شایسته‌ای انجام نشده است. اثر حاضر متن آموزشی است که برای ارائه به طلاب سطح دو حوزه تدوین شده است و می‌تواند برای دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، به‌ویژه دانشجویان مطالعات زنان نیز مفید باشد. نویسنده کتاب، که علاوه بر تحصیلات حوزوی بیش از پانزده سال سابقه پژوهش و کارشناسی در حوزه مطالعات زنان را در کارنامه خود دارد و

چهره‌ای شناخته شده در محافل علمی داخلی و مجامع بین‌المللی است، کوشیده است تا مخاطبان را با یک دوره عمومی و نسبتاً کامل از معارف اسلامی در تبیین جایگاه زن و مناسبات حقوقی و اخلاقی زنان آشنا سازد.

در اینجا لازم است از ناظر علمی اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین بستان، اعضای شورای پژوهشی و همکاران مدیریت پژوهش دفتر مطالعات و تحقیقات زنان که هر یک به‌نوبه خود در انتشار هر چه بهتر این اثر نقش داشته‌اند تقدیر کرده و تلاش نویسنده محترم، سرکار خانم فریبا بلاسید، را ارج نهیم و از خوانندگان و ناقدان گرامی که با طرح دیدگاه‌های خود به سیر و سبک را به ما هموار می‌نمایند، پیشاپیش سپاس‌گذار باشیم.

والسلام
مدیریت پژوهش
پاییز ۱۳۹۰

پیشگفتار

اسلام مجموعه‌ای از آموزه‌های توصیفی (عقائد)، ارزشی (اخلاقی) و توصیه‌ای (حقوق و تکالیف) است که برای هدایت انسان آمده‌اند. از آنجا که ابعاد وجودی انسان یعنی بعد شناختی، تمایلات و احساسات و رفتارها متأثر از یکدیگر و درهم تنیده‌اند آموزه‌های هدایت‌گر برای انسان نیز درهم تنیده، یعنی به هم مرتبط و در هم تأثیر گذارند. به همین مندی آموزه‌های اسلامی به ویژگی تکرر آموزه‌ها، در عین هماهنگی و هم‌جهتی آنها اشاره می‌کند.^۱ به گفته علامه طباطبایی اسلام مجموعه‌ای است از معارف اخلاقی، اصول اخلاقی و قوانین رفتاری که با هم مرتبط و در تناسب‌اند. این ارتباط به گونه‌ای است که اگر به بخشی از اجزای این مجموعه به درستی عمل نشود تأثیر منفی در انتظار را از مجموعه به دست نخواهد آمد.^۲ اگر مجموع گزاره‌های دینی را یک نظام جامع بدانیم، این نظام در ذیل خود دارای خرده نظام‌هایی است که هر یک به تنهایی مشخصات یک نظام را دارا هستند؛ یعنی مشتمل بر آموزه‌های متعدد، هماهنگ

۱. نظام به مجموعه‌ای از عناصر اطلاق می‌شود که بر یکدیگر تأثیر دارند و برای دستیابی به هدفی مشترک در کنار یکدیگر سازمان یافته‌اند (رک: ال کاف راسل، کاربرد روش سیستم‌ها، ص ۲۵)

۲. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۹۲

و مؤثر در یکدیگرند و هدف یا اهدافی مشترک را پی می گیرند. اسلام به عنوان یک نظام جامع دارای یک هدف غایی (عبودیت عارفانه) است و خرده نظام ها نیز دارای اهداف میانی اند. به عنوان مثال می توان دستیابی به قسط را از اهداف خرده نظام مناسبات اجتماعی دانست. چنان که اشاره گردید در یک تقسیم بندی کلی می توان آموزه های اسلامی را در سه خرده نظام یعنی نظام اقتصادی، نظام اخلاقی و نظام حقوقی جای داد^۱ و برای هر کدام اهدافی را ترسیم نمود. این اهداف در یک فرآیند اجتهادی کشف می شوند و به صرف نبود بر برخی گزاره های جزئی حقوقی به دست نمی آید.^۲

اگر نگاه خود را بر نظام حقوقی متمرکز کنیم، این نظام را واجد دو ویژگی جامعیت و فردانگی می یابیم. منظور از جامعیت در این نوشتار آن است که زندگی دنیوی و آخری، در بخش از حیات انسانی اند و اسلام سعادت انسان را در هر دو زندگی خواسته است. بنابراین رهنمودها و دستورهای اسلام در قالب تکالیف، به هر دو جنبه از زندگی ناظر است.^۳ در رایج ترین تفسیر از جامعیت گفته شده که منظور، جامعیت منابع است؛ بدین معنا که قرآن مسائل دینی را یا خود بازگو کرده، یا با ارجاع به دیگر منابع و اعتبار بخشیدن به آنها جامعیت دین را تضمین کرده است.^۴ از دیدگاه امام خمینی علیه السلام نیز منابع حکم شرعی (کتاب و سنت و عقل) برای پاسخ گویی به همه نیازهای گوناگون در

۱. ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ص ۳۹۰.

۲. برخی تقسیم بندی دیگری ارائه کرده اند. در آن تقسیم بندی دین اسلام دارای سه منبع است: مکتب، نظام و نهاد است. منظور از نظام در این تقسیم بندی دستگاهی است که در آن نهادهایی مثل اقتصاد اسلامی، سیاست اسلامی و... به گونه ای مرتبط و هماهنگ گزاره های خود را مطرح ساخته و نظام اقتصاد اسلامی، نظام سیاسی اسلامی و نظام حقوقی اسلامی را ایجاد کرده اند (ر.ک: مهدی هادوی تهرانی، *مبانی کلامی اجتهاد در برداشت هایی از قرآن کریم*، ص ۳۹۳).

۳. ر.ک: سعید ضیایی فر، *جایگاه مبانی کلامی در اجتهاد*، ص ۷۶.

۴. همان، ص ۷۷۱. در این منبع، فهرست مفصلی از منابع دسته اول اسلامی که مدافع این نظریه اند، آمده است.

تمام حالت‌ها کافی دانسته شده است.

جاودانگی ویژگی دیگری است که مبنای قرآنی و روایی دارد.^۱ جاودانگی شریعت به معنای استمرار تک‌تک احکام نیست، ولی روشن است که میان آن و جاودانگی بخشی از احکامش ملازمه وجود دارد. دانشمندان بزرگ اسلامی از استمرار نوع احکام دفاع کرده‌اند، نه تک‌تک آنها.^۲

بنابراین نظام حقوق اسلامی مانند دیگر نظام‌های آن، در عین آنکه دارای چه‌ای ثابت است، احکام متغیر را نیز دربردارد. این تغییر، لازمه جاودانگی و جامع اسلام است. روشن است که بخش‌هایی از زندگی اجتماعی بشر همواره دگرگون می‌شود و پایداری اسلام مرهون امکان انطباق آن با تغییرهای زمانی و خانی است. دانشمندان اسلامی برای ثبات از یک سوی و تغییر از سوی دیگر، پلیم خامه کرده و هر یک کوشیده‌اند حوزه احکام متغیر اسلامی را معلوم سازند. راهی می‌آید وجود راز و رمز این انعطاف‌پذیری و انطباق با تغییرهای زمان و مکان را سالاران دین اهمیت دارد. در واقع بدون آنکه نظام دین از هم بپاشد، قوانین ثابتی برای نازهای ثابت و قوانین متغیری برای نیازهای متغیر در این ساختمان قایم است.^۳

برای مطالعه

تقریرهای گوناگونی درباره جاودانگی احکام اسلامی وجود دارد:

۱. اغلب فقها بر این باورند که همه احکام عبادی و غیرعبادی موجود در قرآن و روایات جاودانه و ثابت‌اند، به‌جز برخی احکام که پیامبر ﷺ حضرت علی ﷺ بنا

۱. لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَكُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ تَنْزِيلٌ مَنْ حَكِيمٌ حَمِيدٌ (۴۲) مَا يَمْلِكُ لَكَ مِنَ الشَّيْءِ لِيُثْبِتَ لِلرَّسُولِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَيْثَكَ لَدُوٌّ مُتَفَرِّقٌ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٌ (فصلت ۴۱-۴۲)؛ حلال محمد ﷺ حلال است. يوم القيامة و حرامه حرام الی يوم القيامة (محمد بن یعقوب الكلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۱).

۲. برای نمونه ر.ک: شیخ مرتضی الانصاری، فرائد الاصول، ص ۴۵۷؛ ابوالقاسم الخویی، وجود التقریرات (تقریرات درس محقق نائینی)، ج ۲، ص ۵۱۵؛ روح الله الموسوی الخمینی، الرسائل، ج ۲، ص ۲۹-۳۰.

۳. ر.ک: مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۰۶-۱۰۲.

بر شأن زمامداری‌شان در حوزه غیر عبادات مطرح کرده‌اند. در این نظریه اصل، ثبات احکام است، مگر آنکه خلافش ثابت شود.^۱

۲. برخی معتقدند احکام فطری - یعنی احکامی که بنابر نیازهای ثابت انسان وضع شده‌اند - ثابت و مقرراتی که حاکم شرع برای اداره جامعه وضع می‌کند متغیرند.^۲

۳. برخی گفته‌اند احکامی که در قرآن و روایات مربوط به تبلیغ شریعت است و از سوی معصومان علیهم‌السلام آمده ثابت‌اند و احکامی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بنا بر جایگاه حکومت خیریش، برای جامعه آورده متغیرند.^۳

چنانچه ملاحظه می‌شود عبارات فوق یک باور را به تعبیر مختلف بیان کرده و تنها مبنای اختلاف خود را متفاوت قرار داده‌اند.

از نه‌ام‌نای شریعت اسلامی با اعتقاد به جاودانگی و جهان‌شمولی آن و امکان تطابق با زمان و مکان می‌توان نتایج ذیل را به‌دست آورد:

۱. بدون انتشار در گسترش اندیشه اسلامی در زمینه جهان‌بینی، نمی‌توان به راحتی اخلاق و احکام اسلام را اجرا کرد. انقیاد مردم از نظام اخلاقی - حقوقی اسلام در گرو باور به اصولی آنان است؛

۲. سعادت انسان در زندگی خانگی و اجتماعی (یعنی هر جا که میان آدمیان رابطه پیدا می‌شود) مرهون عمل به اخلاق و گردن سپاری به فقه اسلامی است. حقوق محوری یا تمرکز بر اصلاحات یا تغییرات قانونی، به‌تنهایی سعادت واقعی را فراهم نمی‌آورد؛

۳. قانون‌گذاران و مجریان باید در پی برپایی همه اجزای این نظام باشند. تغییراتی که وابستگی احکام به یکدیگر را در نظر نگیرد، نظم و رونی و فایده‌بخشی نظام را برهم می‌زند. برای مثال، اگر بر این باور باشیم که ولایت اقتصادی خانوار بر دوش شوهران و پدران است، نمی‌توانیم به تقسیم

۱. از آنجا که دلایل آنان متفاوت است خوانندگان را به کتاب‌های دسته اول اصولی و فقهی ارجاع می‌دهیم.

۲. برای نمونه رک: عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه، ص ۳۴۲.

۳. سعید ضیایی‌فر، جایگاه مبانی کلامی در اجتهاد، ص ۸۴۶.

فرصت‌های شغلی برابر - در صورت کمبود این فرصت‌ها - ببندیشیم؛

۴. در مسیر تمرین بخشی این نظام، نمی‌توان تغییرها را نادیده گرفت. دگرگونی‌های عمیق و جدی در حوزه زندگی بشر که موجب تغییر یا زوال موضوعات احکام، پیدایش عناوین ثانوی و مصالح عمومی و تغییر علل حکم می‌شوند در تحولات قانونی مؤثرند.

۵. نه تنها در قانون‌گذاری و اجرا، بلکه در شناخت و تحلیل مسائل، این نظام مناسبات مهم و مؤثر است. برای مثال، یک تحلیلگر مسائل زنان، در بررسی پدیده طلاق نمی‌تواند ادعا کند حق مردان در طلاق علت اصلی بروز مشکلات و افزایش جدایی‌هاست؛ همان‌گونه که نمی‌تواند بگوید فزونی مهریه دختران تنها یا مهم‌ترین عامل در این زمینه است. مسائلی که در زندگی خانوادگی و اجتماعی افراد پدید می‌آید، حاصل دسته‌ای روابط تعاملی‌اند. بنابراین یک مسئله می‌تواند از چندین عامل ناشی شود. این عوامل ممکن است فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، قانونی، حلقه‌ای و شخصیتی باشند.

برای مطالعه

زمانی که از نظام حقوقی معینی سخن می‌گوییم، هست باید «نظام‌وارگی» آن را تبیین کنیم. واژه نظام در فارسی معادل واژه سیستم (system) در انگلیسی است. در هر علمی سیستم یا نظام مصطلح ویژه‌ای دارد؛ مانند سیستم فنی، سیستم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، سیستم حیاتی و سیستم اخلاقی. برخی ارائه اندیشه نظام‌مند را به قرن بیستم نسبت می‌دهند. از این دیدگاه سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۹ آغاز عصر سیستم‌ها بوده است.^۱ در این دوره، در عرصه‌های گوناگون علوم، نظریه پردازی و تحلیل به صورت ترکیبی و سیستمی صورت گرفت. تا پیش از آن، شیوه‌های تحقیق و تحلیل جزئی‌نگر بودند. هرگاه در یک سیستم یا نظام، تنها یک یا دو بخش یا یک گروه اجتماعی... مشکلی پیش می‌آمد، آن را به اجزا تقسیم و تجزیه می‌کردند و هر جزء را جداگانه بررسی می‌کردند. برای مثال در این

۱. رک: مهدی فرشاد، نگرش سیستمی، ص ۹.

۲. ال - اکاف، راسل، کاربرد روش سیستم‌ها، ترجمه محمدجواد سهلانی، ص ۲۵.

نگرش اگر در سیستم شهری یک منطقه مشکلی پیش آید، مدیران بخش فرهنگ و اقتصاد، هر یک جداگانه مسئله را بررسی می کنند و تنها در حیطه کار خود و مستقل از دیگر بخش ها به رفع مسئله می پردازند. در عصر سیستم ها نگرش جزئی نگر جای خود را به نگرش گسترده نگر داد. در این نگرش که تفکر ترکیبی یا سیستمی نیز نامیده می شود، شیء مورد نظر را به منزله جزئی از سیستمی گسترده تر می نگرند و آن را بنا بر نقشی که در سیستم بزرگ تر دارد تشریح می کنند. برای مثال، دانشگاه ها را به جای اینکه با نگاه به اجزای آنها یعنی دانشکده ها و مدارس عالی توصیف کنند، به کمک نقشی که در سیستم آموزش دارند تشریح می کنند.^۱

به عبارت دیگر، نگرش های سیستمی زائیده اندیشه های کل گرایانه اند. اندیشه های کل گرا به یا اگر یکی در برابر تفکرهای تجزیه گرا یا عنصرگرا (یا اتمیسم) قرار دارند. سیستم فیزیکی به ویژه در سده هجدهم و نوزدهم جهان شناسی خاصی را به وجود آورد. بنابر این جهان شناسی، همه دنیا و نظام های مربوط به آن مانند یک ماشین دانسته شدند. دانش آن زمان و تحلیل های جزئی نگر آن به همه علوم تسری یافت.^۲ به طور طبیعی، اندیشه های کل گرایانه و سیستمی، واکنشی روشی به این گونه رویکرد بودند. به هر روی، در وهله نخست مراد از سیستم، نظام را تعریف کنیم.

در ساده ترین تعریف، نظام یا سیستم به مجموعه ای متشکل از دو یا چند عنصر مرتبط با هم (مانند مفاهیم در سیستم اعداد، اشیا در سیستم یک ماشین یا مردم در سیستم اجتماعی) می گویند. چندگانگی این عناصر در سیستم هضم می شود؛ زیرا همه عناصر تا هنگامی که در یک سیستم اند یک هدف را پی می گیرند و هدف واحد، به کل سیستم وحدانیت و یکپارچگی می بخشد. در یک نظام، هر جزء دست کم به یک جزء دیگر وابسته است یا در آن تأثیر مستقیم دارد. بنابراین، بدون نبودن هر جزء تأثیر مهمی در افزایش یا کاهش توانایی اجزای دیگر دارد. فایده هر جزء برای یک نظام به گونه ای است که برای هیچ یک به تنهایی سودی نمی بخشد. پس آنکه یک انسان می تواند بدود یا فکر کند، در حالی که هیچ یک از اجزای بدن به تنهایی از عهده این کارها برنمی آید.

۱. همان، ص ۳۰.

۲. همان، ص ۲۸-۲۷.

پس هر سیستم و نظام، از نظر فایده و نقشی که بازی می‌کند، کلی تقسیم‌ناپذیر است.^۱ در تعریف دیگر، نظام مجموعه‌ای پیچیده و سازمان‌یافته است، متشکل از روابط تعاملی موجود بین عناصر، کنش‌ها یا اشخاص که به‌طور پویا (دینامیکی) بر یکدیگر اثر می‌گذارند و برای به انجام رساندن کار یا دست‌یافتن به هدفی خاص سازمان یافته‌اند.^۲

چنان‌که می‌بینیم در تعریف دوم، پیچیدگی و سازمان‌یافتگی به پویایی نظام در اثرگذاری افزوده شده‌اند. از سیستم یا نظام‌واره تعریف‌های گوناگونی شده است. با رجوع به تعاریف گوناگون، به‌ویژه درباره‌ی چند و چون اعضا، دو مفهوم اساسی «حلیت» و «ابطال میان عناصر» در همه تعاریف‌ها وجود دارد. تحلیل درستی که در این باره وجود دارد آن است که هرچه روابط تعاملی بین عناصر یک نظام بیشتر باشد، قابلیت اعتماد به آن نظام افزایش می‌یابد.^۳

امروزه به نظر به «سیستم» با کیفیت بالا انتقاد شده است، اما هنوز نیز می‌توان از لزوم نگاه مجموعه‌ای، اجتناب به هم‌پیوسته یک دستگاه مثل دستگاه فکری منسجمی درباره اعتقادات، تقویر با اخلاق دفاع کرد.

۱. همان، ص ۲۸-۲۹.

۲. ناصر جهاتیان، اهداف توسعه، ص ۷۳.

۳. همان، ص ۷۱.